

تبخر شگفت‌انگیز استاد بدیع‌الزمان فروزانفر در ادب فارسی و عربی، طبعاً انتظار اهل تحقیق را از ترجمه‌های ایشان افزایش می‌دهد، اما متأسفانه نمونه‌های چندانی از ترجمه ایشان در دست نیست و جز ترجمه رساله حئی بن یقظان^(۱) از ابن طفیل و ترجمه منظوم چند شعر^(۲)، برخی آیات، احادیث و عبارتهای عرفانی^(۳)، ضمن تألیفات استاد، ترجمه دیگری از او فعلاً به دست دوستدارانش نرسیده است و سال‌هاست که دیده مشتاقان در حسرت دیدار «ترجمه کامل قرآن مجید» به قلم استاد به راه مانده است.

علاقه‌مندانی از جامعه فرهنگی و نیز معارف دینی، پس از گذشت سالیان دراز، همچنان با کنجکاوی تمام سرنوشت در ابهام مانده همان ترجمه را پی می‌گیرند و تاکنون پاسخی قانع‌کننده دریافت نکرده‌اند. به همین سبب، نگارنده قصد دارد در این گفتار در حد آگاهی خود، چگونگی و سرنوشت این ترجمه را چندان که لازم به نظر

(۱) استاد شفیع‌ی کدکنی در باب این ترجمه که با نام زنده‌بیدار (حئی بن یقظان) تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۴ش) انتشار یافت، چنین اظهار نظر کرده است: «ترجمه‌ای که [فروزانفر] از حئی بن یقظان ابن طفیل کرده، آیتی است در ترجمه این‌گونه آثار فلسفی دنیای کهن (مجله سخن، س ۲۰ (۱۳۴۱): ۱۰۲).

(۲) نمونه‌هایی از آن را می‌توانید در دیوان فروزانفر ۱۳۸۲ش صفحات ۲۸۴-۲۸۸ ملاحظه کنید.
(۳) در کتاب شرح مثنوی شریف (در ۳ مجلد) و تصحیح ترجمه رساله قشیریه نمونه‌هایی از این نوع ترجمه را می‌یابید.

می‌رسد، به اطلاع همگان برساند. گزارش بنده شامل دو بخش خواهد بود: نخست پیشینه اشتیاق فروزانفر نسبت به ترجمه قرآن مجید و دوم، نقل پاره‌هایی از ترجمه منتخب و مقدماتی استاد. تأکید می‌کنم که ترجمه مقدماتی فروزانفر تاکنون منتشر نشده است و آن را از میان اوراق و یادداشت‌های استاد یافته‌ام، همراه ترجمه‌های متفرق آیات که از آثار چاپ شده فروزانفر، از جمله شرح مثنوی شریف، گرد آورده‌ام. برای آنکه ارزش ترجمه کامل قرآن مرحوم فروزانفر معلوم شود، نظر صایب استاد شفيعی کدکنی بسنده است:

«بی هیچ گمان، ترجمه فروزانفر از قرآن کریم، درست‌ترین و در عین حال دقیق‌ترین و روان‌ترین ترجمه‌ای خواهد بود که تاکنون به زبان فارسی انجام شده است. اگر ما روزی بخواهیم ترجمه‌ای مجاز یا نزدیک به رسمی (Authorized) از قرآن به زبان فارسی داشته باشیم، شاید بهتر از آن نتوان یافت. این داوری من از طریق نمونه آیاتی است که وی گاه در خلال بعضی آثارش از قبیل شرح مثنوی شریف، داده است و از باب قیاس جزء به کل^(۱)».

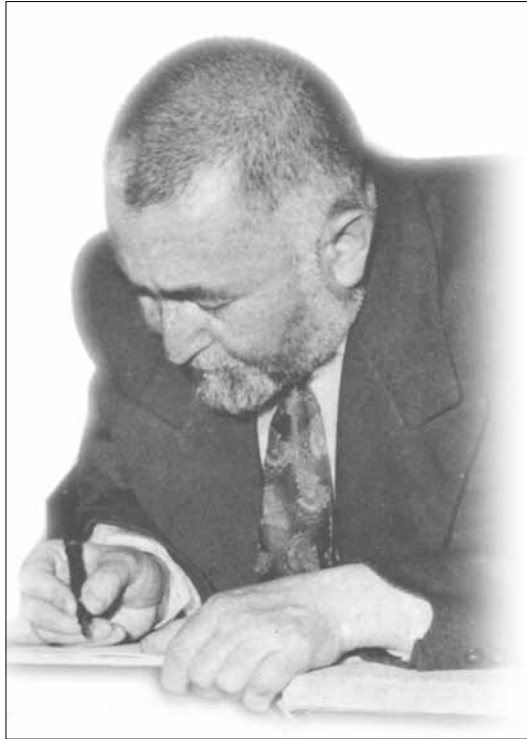
انس و اشتیاق فروزانفر به قرآن مجید و ترجمه آن: از نوشته استاد معلوم می‌شود که او نخست نزد پدرش، آقا شیخ‌علی احمدی با قرآن آشنایی حاصل کرد: «قدری که درجه تحصیل بالا رفت و به خط فارسی آشنایی و از قرائت قرآن حاصل آمد و هنگام آن رسید که در مقدمات عربیت خوضی رود و شروعی افتد مرا به مکتب دیگری سپردند^(۲)». پس از آن به سال ۱۳۳۸ق فروزانفر از بشرویه به مشهد آمد و به محضر مرحوم عبدالجواد ادیب نیشابوری (۱۲۸۰-۱۳۴۴) راه یافت و سالها از محضر او بهره برد، چندان که در شمار شاگردان برجسته ادیب در آمد و با حافظه کم‌نظیر یا بی‌مثال خویش چنان با قرآن آشنا شد و بر مثنوی تسلط یافت که در سال ۱۳۲۷ نزدیک بر ۷۰۰ مورد از «اشعار مثنوی [را که] متضمن آیات قرآنی به اشارت یا تضمین^(۳)» بود باز شناخت.

اکنون به هیچ‌روی روشن نیست که فکر ترجمه قرآن کریم از چه وقت به ذهن فروزانفر راه یافت، اما نخستین قرارداد میان استاد و وزارت معارف وقت آن روز برای ترجمه کتاب آسمانی به سال ۱۳۱۳ شمسی باز می‌گردد و حاصل کار با نام

(۱) . فروزانفر و شعر- مقدمه دیوان بدیع‌الزمان فروزانفر/ تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۲ ص ۲۵.

(۲) . فروزانفر، رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی. تهران: ۱۳۵۱ صفحه الف مقدمه.

(۳) . نسخه‌ای از آن در میان یادداشت‌های فروزانفر در کتابخانه مرکزی دانشگاه موجود است.



• بدیع الزمان فروزانفر

آیات منتخبه از کلام الله مجید^(۱)، برای کلاسهای پنجم و ششم دبستان انجام شد و انتشار یافت. این ترجمه را مقدمه‌ای است به امضای ذوالمجدین^(۲) (ناظر شرعیات) و بدیع الزمان (استاد دانشسرای عالی). از آنجا که مقدمه ترجمه آیات نیز همگی به خط فروزانفر موجود است، بنابراین در تعلق مقدمه و ترجمه آن به ایشان، تردیدی نیست. بنابراین مقدمه:

«نظر به آنکه مقصود از تعلیم و قرائت قرآن مجید در مدارس ابتدایی، گذشته از تیمّن و تبرک و احراز ثنویات دنیوی و اخروی آنست که محصلین به جهت تأمل در اصول و حقایق و تدبّر در حکم و مواظب قرآنی فواید بیشمار و منافع بسیار بگیرند و بر بصیرت خود در امور دین و دنیا و مصالح معاش و معاد بیفزایند^(۳)».

(۱) تهران: شرکت طبع کتاب کتبه علی اکبر کاوه - محمدتقی کمال، ۱۳۱۳ش، ۵۶ص.

(۲) مقصود زین العابدین ذوالمجدین صاحب کتاب فقه و تجارت است.

(۳) آیات منتخبه از کلام اله مجید/ص ۲.

در پی آن، ترجمه دوم، برای کلاسهای ۳ و ۴ در سال ۱۳۱۷ش صورت گرفت. اما ترجمه کامل کلام الله مجید مطابق قرار داد شماره ۱۸۵۱ / ل الف مورخ ۱۳۳۹/۳/۵ میان استاد فروزانفر و وزارت فرهنگ وقت منعقد شد. مطابق این قرارداد، متن کامل ترجمه می‌باید در سال ۱۳۴۱ تحویل داده می‌شد. حق ترجمه ایشان بنا بر قرارداد، به مبلغ چهارصد و پنجاه هزار ریال بود که می‌بایست در هشت قسط پرداخت می‌شد و قسط آخر، به مبلغ پنجاه هزار ریال پس از نشر کتاب، به مترجم تعلق می‌گرفت. در پرونده قرارداد، یادداشتی از مرحوم فروزانفر موجود است حاکی از اینکه ایشان در ۱۳۴۰/۴/۲۶ ترجمه قرآن را تا آیه ۵۲ از سوره یوسف تحویل داده‌اند:

اداره کل نگارش وزارت فرهنگ

با اداء احترام، اینک ترجمه چهار جزو از قرآن کریم که آغاز می‌شود به آیه (۸۸) از سوره اعراف و ابتداء جزو نهم است و منتهی می‌گردد به آیه (۵۲) از سوره یوسف که پایان جزو دوازدهم است به همراه این نامه فرستاده می‌شود. ۱۳۴۰/۴/۲۶.^(۱)

آنچه تاکنون بیان شد، بر اساس پرونده موجود در سازمان مدارک فرهنگی وزارت فرهنگ وقت بود، که اکنون در میدان بهارستان ساختمان وزارت ارشاد واقع است. اما در باب این موضوع، آگاهی‌هایی خارج از پرونده این ترجمه نیز تا حدی مطلب را روشن می‌کند:

به توصیه استاد ایرج افشار و استاد محمدتقی دانش‌پژوه اجازه‌ای از خانواده استاد فروزانفر دریافت کردم تا مقالات و اشعار و تقریرات و نوشته‌های چاپ نشده استاد فروزانفر را تنظیم و برای انتشار آماده کنم. بر همین اساس، هر آنچه در توان داشتم، طی سالها جست‌وجو توانستم از آثار پراکنده، تقریرات، سخنرانیها و یادداشت‌های متفرق ایشان را در چهار مجلد کتاب^(۲) و ده‌ها مقاله گردآوری و انتشار دهم که مشتاقان آثار استاد از آن آگاهی دارند. براساس همین وظیفه و دو نامه از استاد ایرج افشار که متن آن را در پایان ملاحظه خواهید فرمود، یادداشتهای ایشان را در کتابخانه مرکزی نیز تا حدی سامان دادم. از میان آنها دو نوشته ارزشمند گمنام یافتم که به همراه مقدمه‌ای انتشار دادم. یکی، شرح احوال ادیب پیشاوری که در سال ۱۳۰۹ش

(۱) تصویر این یادداشت را در پایان همین گفتار ملاحظه خواهید فرمود.

(۲) مقصودم از چهار کتاب، این آثار است: دیوان بدیع‌الزمان فروزانفر؛ تاریخ ادبیات ایران از بعد از اسلام تا پایان تیموریان. مقاله‌های فروزانفر، از خاطر و خط استاد که همگی توسط سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد به صورت شایسته تجدید طبع شده است.

در انجمن ادبی ایران ایراد شده^(۱) و دیگری « فهرست بعض کتب کتابخانه سلطنتی ایران^(۲)» که در ۱۳۲۲ صورت تألیف یافت و یادگاری است بسیار ارزشمند از دوران آغاز فهرست نگاری نسخه‌های خطی در ایران.

در میان یادداشتهای متفرق چند برگگی از ترجمه قرآن مجید به خط فروزانفر یافت شد که معلوم بود ترجمه‌ای منتخب و مقدماتی است و شاید هم پیش‌نویس. در همان تاریخ، ترجمه به دست آمده را به استاد شفیع کدکنی تقدیم کردم، فرمودند: «فعالاً صبر کنید، شاید ترجمه کامل قرآن که از نظر استاد فروزانفر گذشته پیدا شود». اطاعت کردم. در میان کتابها و یادداشتهای منزل نیاوران استاد، که در آثار خویش از آن به عنوان «قریه نیاوران از قرای شمالی طهران» یاد می‌فرمود، هم چند برگگی از این ترجمه منتخب و نیز مقداری از اشعار چاپ نشده نخستین چاپ شده و نشده ایشان به دستم رسید که همراه شماری از کتابهای عکسی مربوط به کلیات شمس و مثنوی مولوی، به همت سرایدار امین منزل استاد، در کمال سخاوتمندی به مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی سپرده شد. مجموعه این ترجمه منتخب و مقدماتی به بیست و نه برگ باریک (۶ برگ در ابعاد ۲۰×۱۲ و ۱۳ برگ در ابعاد ۳۵×۱۱) رسید. سالها سپری شد تا آنکه در سال ۱۳۶۸ مرحوم دکتر محمود بروجردی، که از سالهای دانشجویی او در دانشکده الهیات با وی آشنایی و دوستی داشتم و به من لطف بسیار داشت، گفت:

حال که از جانب خانواده استاد فروزانفر وکالت دارید تا آثار او را به چاپ برسانید و قانوناً می‌توانید کارهای علمی چاپ نشده ایشان را پیگیری کنید، بهتر است شما را در نامه‌ای رسمی به آقای صباح زنگنه و معاونت فرهنگی وزارت ارشاد (در آن وقت) معرفی کنم. بروید دنبال کار را بگیرید شاید در بایگانی اداره کل نگارش که این ترجمه علی‌الظاهر در آنجا نگاهداری می‌شود، بتوانید آن را بیابید. قصد دارم آن را به صورت شایسته ای در پژوهشگاه علوم انسانی چاپ کنم.

یادداشت دکتر محمود بروجردی مبنی بر معرفی اینجانب، به شماره ۲/۹۵۰۰ مورخ ۱۳۶۸/۵/۱۶ در دفتر معاونت و ۲۴/۱۳۱۸ مورخ ۱۳۶۸/۵/۱۷ در سازمان مدارک فرهنگی به ثبت رسیده است. آقای زنگنه به آقای علی محمدی، رئیس سازمان یاد شده دستور دادند تا همه‌گونه همکاری لازم به عمل آورد. در آن تاریخ این بایگانی

(۱) ادیب پیشاوری، کتاب از خاطر و خط استاد تألیف فروزانفر. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۸۴، ص ۳۸۲-۳۸۹.

(۲) مجله کتابداری، دفتر هجدهم (۱۳۷۰): ۱۳۹-۲۴۰.

خود دستخوش حوادث بسیار شده بود: درهم و برهم، پرونده‌ها بر روی هم انباشته بر قفسه‌ها، پلکان، زیر پله و شنیده شد که حوادث تلخ‌تری نیز بر آن گذشته است. چند نفر از کارکنان آنجا مشغول سامان دادن آن مرکز اسناد و پرونده‌ها بودند. در دومین روز مراجعه به آن مرکز، یکی از کارکنان پرسید: در پی چه هستید؟ موضوع را گفتم. گفت: باید این ترجمه خیلی اهمیت داشته باشد، چون قبل از شما چند نفر دیگر هم دنبال این ترجمه به اینجا مراجعه کردند و چند روزی برای یافتن آن، بیشتر پرونده‌ها را دیدند، نمی‌دانم به چه نتیجه‌ای رسیدند!!

تا آنجا که به خاطر دارم به برکت یافتن این ترجمه، سامان دادن بایگانی آن مرکز سرعت بیشتری یافت و ظاهراً ۳۲ هزار پرونده کامل و ناقص در آنجا از حوادث آن روزگار، تا حدی مصون مانده بود و توانستند برای آنها شناسنامه تهیه کنند. در یکی از روزها که عازم سفر ترکیه بودم، یکی از کارکنان دلسوز آنجا به من تلفن کرد که ترجمه قرآن فروزانفر را پیدا کردم، فردا می‌توانید بیایید. گفتم: من اکنون عازم سفر ترکیه هستم، ترجمه قرآن را در جایی محفوظ نگه دارید به محض آنکه از سفر برگشتم نزد شما خواهم آمد. نمی‌توانم حالتی را که در مدت اقامت در ترکیه داشتم بیان کنم. سرانجام پس از بازگشت، روز بعد به سازمان مدارک فرهنگی وزارت ارشاد مراجعه کردم و جویای ترجمه شدم. کارمند آنجا که مرد علاقه‌مندی هم بود، فوراً از داخل کشوی میزش پرونده‌ای را بیرون آورد و پیش روی من گذاشت و گفت: «این آن چیزی است که به شما قول داده بودم. حال شیرینی ما یادتان نرود». با حرص و ولع پرونده را گشودم و اوراق را زیر و رو کردم. آنچه دیدم، قراردادهای ترجمه قرآن و مکاتبات بین استاد فروزانفر و وزارت فرهنگ و اداره کل نگارش بود. به ایشان گفتم: اینکه فقط پرونده قراردادهای ترجمه است، خود ترجمه کجاست؟ گفت: «هر چه بود همین است که خدمتتان دادم، چیز دیگری نبود». در بهت و حیرت ماندم که طی ۲۴ روز اقامت در ترکیه چه انتظاری برای دیدن این ترجمه کشیده بودم. افسوس و دریغ. در همان روزها آقای دکتر ابوالقاسم امامی و قرآن پژوه معاصر، جناب بهاءالدین خرمشاهی به من زنگ زدند و از این ترجمه جويا شدند. همه آنچه را که گذشته بود برای جناب خرمشاهی گفتم. جناب خرمشاهی از قول من، همین واقعه را در پیوست قرآن کریم: ترجمه، توضیحات و واژه‌نامه خود (ص ۶۲۳) نوشتند. چند روز دیگر آقای فیروزان از ساختمان سروش نزدیک دانشکده الهیات مرا خواستند و موضوع ترجمه را در میان گذاشتند و برای تشویق من گفتند: حاضریم این ترجمه را در پانصد هزار نسخه چاپ کنیم و چنین و چنان! فکر می‌کنم در راهروی ساختمان سروش با آقای موسی اسوار هم روبه رو شدم. ایشان هم جویای ترجمه شدند. مدتی

بعد که همراه آقای دکتر محمود بروجردی در مسجد دانشگاه در مراسم بزرگداشت یکی از شهدای جنگ تحمیلی نشستیم بودم، دوست عزیزم آقای شیرازیان با اشتیاق فراوان، تمایل دفتر مقام معظم رهبری را برای چاپ و انتشار این ترجمه ابراز داشت. گفتم: متأسفانه تاکنون نیافته‌ام. آقای دکتر بروجردی هم چند سالی است مرا مأمور یافتن این ترجمه کرده‌اند. بر همه اینها علاقه‌مندی و خواستاری آقای سیدکاظم موسوی‌بجنوردی را برای انتشار این ترجمه بیفزاییم که با توجه به همکاری اینجانب در مرکز دائرةالمعارف، انتظاری بجا و طبیعی بوده است. این ترجمه مشتاقان دیگری هم داشت که از ذکر نام آنها صرف‌نظر می‌کنم.

اما موضوع به اینجا تمام نمی‌شود. وقتی چاپ اول دیوان مرحوم فروزانفر، به کوشش این بنده در سلسله انتشارات کتابخانه طهوری انتشار یافت، استاد شفیع‌الدینی کدکنی در مقدمه با عنوان «فروزانفر و شعر» اهمیت این ترجمه را یادآور شدند که بخشی از آن در آغاز این گفتار نقل شد. چون موضوع را با زنده یاد دکتر حسینعلی هروی، که معاونت ایشان را در کتابخانه دانشکده الهیات داشتیم در میان گذاشتم، از اینکه این ترجمه چنین سرنوشتی پیدا کرد، سخت آزرده شد و گفت: «حال که شما اوراقی از این ترجمه منتخب را در دست دارید، انگیزه مناسبی است تا در پاورقی مقدمه استاد دکتر شفیع‌الدینی بنویسید مشغول تنظیم اوراق این ترجمه هستید، بدین ترتیب اگر نسخه‌ای از آن ترجمه در دست کسی باشد، خواهد دانست که نسخه‌ای نیز نزد شماست و ممکن است نسخه خود را نیز با شرایطی به شما عرضه کند و من نگارنده چنین کردم؛ از آن تاریخ چنین گمان رفت که نسخه‌ای کامل از ترجمه قرآن کریم به قلم استاد فروزانفر نزد حقیر است!! در حالی که در نیت نخست، مقصود همان اوراق ۲۹ برگی بود که اجازه انتشار آن را نیافته بودم و مقصود دوم آن بود که در بالا نوشتم. به هر حال، پس از آن در معرض پرسشهای بیشمار قرار گرفتم و گمان نمی‌کردم روزی — مقصود حالاست — ناگزیر شوم راز خود و استاد دکتر هروی را در نوشتن آن پاورقی فاش کنم.

باری، سالها بعد روزی برای جلب موافقت آقای دکتر محمدامین ریاحی برای عضویت در طرح تاریخ ادبیات فارسی که قرار بود در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی اجرا شود، همراه آقای سیدکاظم موسوی‌بجنوردی به منزل ایشان رفتم. وقتی آقای سیدکاظم موسوی‌بجنوردی پیشنهاد خود را با ایشان در میان نهادند، فرمودند: «برای فرهنگ و ادب فارسی هر چه بفرمایید اطاعت می‌کنم و در خدمت هستم».

سپس از بنده پرسیدند:

قرآن فروزانفر را چاپ کردید؟ جسارت کردم و گفتم: استاد! مرحوم فروزانفر ترجمه کامل قرآن را به شما تحویل دادند یا به این حقیر؟ و او با خضوع و نوعی شرم پاسخ داد: «معدرت می‌خواهم، ترجمه را من از استاد فروزانفر تحویل گرفتم و دادم آن را در ۵ نسخه تایپ کردند و از نظر استاد فروزانفر گذراندم و همه آن پنج نسخه را روی پرونده قرارداد ترجمه در بایگانی اداره کل نگارش نهادم. روزی به استاد شفيعی کدکنی تلفن کردم که کار ویراستاری ترجمه استاد فروزانفر را بپذیرند. ایشان گفتند: من عازم سفر خارج هستم و عذر خواستند. پس از آن به دلایلی که می‌دانید من از اداره کل نگارش استعفا کردم و دیگر از آن ترجمه استاد خبری ندارم.

بنابراین و بر اساس چهار نوشته مکتوب و گواه مطمئن می‌توانم ادعا کنم که استاد فروزانفر کار ترجمه قرآن کریم را به پایان آورده بود:

۱. قرارداد شماره ۱۸۵۱/الف مورخ ۱۳۳۹/۳/۵ که در پرونده قرار داد ترجمه در سازمان مدارک فرهنگی موجود است و تصویر آن در پایان این مقدمه آمده است.
۲. مکتوب استاد خطاب به اداره کل نگارش، که پیش از این نقل کردم و گواهی است بر اینکه در ۲۶/۴/۴۰ ترجمه را تا آیه ۵۲ از سوره یوسف تحویل داده اند.
۳. نوشته استاد شفيعی کدکنی:

در تابستان ۱۳۴۵ یک روز که در نیاوران به دیدارش رفته بودم و آن روزها توفیق مطالعه نسخه‌ای از تفسیر سوراآبادی را یافته بودم، از اهمیت این ترجمه و مقایسه آن با بعضی ترجمه‌های قدیم قرآن کریم سخن گفتم و ترجمه سوراآبادی را به دقت و زیبایی ستودم. استاد لختی سکوت کرد و آنگاه گفت: «شفيعی! ترجمه ما را ندیده‌ای» من در آن لحظه تصور کردم منظورش ترجمه‌هایی است که از بعضی آیات در خلال آثار خویش آورده و هرگز به گمانم نرسید که وی ترجمه کاملی از قرآن کریم فراهم کرده باشد. بعدها در ۱۳۵۲ از آقای دکتر محمدامین ریاحی شنیدم که نسخه کامل ترجمه قرآن استاد فروزانفر به خط خودش در بایگانی وزارت فرهنگ و هنر موجود است و قرار است از طرف همان وزارتخانه منتشر شود...^(۱).

۴. گواهی روانشاد دکتر محمدامین ریاحی در حضور این بنده و جناب آقای سیدکاظم موسوی بجنوردی مبنی بر اینکه ترجمه کامل را تحویل گرفته‌اند و متن تایپ

(۱) دیوان بدیع‌الزمان فروزانفر / ۱۳۸۲ش، ص ۲۴.

شده را در پنج نسخه تهیه کرده و از نظر استاد فروزانفر گذرانده‌اند. به رغم همه اینها با آنکه سالها از این موضوع می‌گذرد، هیچ نشانه‌ای از ترجمه کامل قرآن به دست نیامده است، اما آرزومندم روزی به هر حال به دست آید و منتشر شود و مشتاقان از حسرت دیدار آن به در آیند.

برای من، که سالها در جست و جوی این ترجمه بوده‌ام سؤالی بی‌پاسخ مانده است: به طور قطع ترجمه قرآن پیش از ۱۳۴۵ انجام شده بود و استاد فروزانفر در سال ۱۳۴۹ چشم از جهان فرو بست. چرا در سالهای میان ۴۵ تا ۴۹ هیچ اقدامی صورت نگرفت؟ چه عوامل و مصالحی در آن روزها انتشار این ترجمه را به تأخیر افکند؟ و بعد از آن دچار سرنوشتی چنین نامعلوم شد؟ آیا سبب به تأخیر افتادن این ترجمه، مخصوصاً در آن سالها همزمان شدن آن با ترجمه یا ترجمه‌های دیگری از قرآن مجید نبوده است؟

اکنون با وجود حسرت و دریغ تمام، توصیه جمعی از علاقه‌مندان معارف دینی و زبان فارسی و نیز مشتاقان آثار استاد فروزانفر، مرا به انتشار همین مقدار موجود از ترجمه منتخب، که اجزاء آن را در آغاز شرح کردم، تشویق و ترغیب می‌کند: ترجمه نخست، که برای مدارس انجام شد و دوم، ترجمه آیات متفرقه در آثار استاد و سوم، ترجمه‌ای منتخب به خط فروزانفر در حدود ۲۹ برگ کاغذ یادداشت باریک مشتمل بر ترجمه پیرامون ۳۰۰ آیه کوتاه و بلند از قرآن، که از این گوشه و آن گوشه، به دست آمده و برای نخستین بار منتشر می‌شود. امید روح آن استاد بزرگ از کاری که انجام می‌دهم خشنود باشد.



وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

اداره انطباعات

تاریخ ۲۴ / ۲ / ۱۳۱۷
نمبر ۳۵۱۱ ضمیمه
۱۵۵۲

قرارداد

بین وزارت معارف و آقای بدیع الزمان نریزانفر برای ترجمه آیات متفصیله قرآن مجید قرارداد
ذیل منعقد میگردد :

ماده اول - آقای بدیع الزمان نریزانفر متعهد میشوند کسب از آیات قرآن مجید را طبق
پروانه معمولات ابتدائی برای تدریس در کلاسهای ۲ و ۳ دبستانها انتخاب نموده و در حدود صد
صفحه با قطع کتابهای دبستانی مدارس سلیس و روان ترجمه و تا آخر مرداد سال ۱۳۱۷ تحویل
وزارت معارف نمایند .

ماده دوم - وزارت معارف در مقابل این خدمت متعهد میشود مبلغ چهار هزار ریال در
دو قسط پیش ذیل در وجه آقای نریزانفر تادیه نماید :

قسط اول - پس از مبادله قرارداد از اعتبار سال ۱۳۱۷ - - - - - مبلغ ۲۰۰۰ ریال

قسط دوم - پس از اتمام ترجمه و تحویل آن به وزارت معارف از اعتبار سال ۱۳۱۷ مبلغ ۲۰۰۰ ریال

جمع ۴۰۰۰ ریال

ماده سوم - هرگاه آقای بدیع الزمان نریزانفر بتمهیدات متدرج در این قرارداد عمل ننماید
وزارت معارف حق انقائ این قرارداد و استرداد قسط تادیه شده را خواهد داشت .

ماده چهارم - این قرارداد در پنج نسخه تنظیم و مبادله گردید .

وزارت معارف و اوقاف
و صنایع مستظرفه



اداره حسابداری
شماره ۳۲۴ مبلغ چهار هزار ریال
از اعتبار ماده چهل و هفتم ماده
۱۳۱۷ وزارت معارف و اوقاف
و صنایع مستظرفه

آقای آقای نریزانفر
اداره انطباعات
وزارت



شماره ۴
۱۳۱۷
شبه هم در آن وقت که قرارداد را کسب نمودند در آن
در سال ۱۳۱۷ در آن وقت که قرارداد را کسب نمودند در آن
۴۰۰۰ ریال
۱۳۱۷



۱۳۱۷

دوموقع تهیه پاسخ بصرف
میزباز اشاره فرمائید



وزارت فرهنگ

(قرارداد)

اداره
شماره ۱۵۱۸۵۱
تاریخ ۱۳۴۰/۳/۵
شعبه

بین وزارت فرهنگ و جناب آقای فرزانفر رئیس دانشگاه معقول و منقول پیمانی برای ترجمه کامل قرآن مجید
بدین شرح منعقد میشود :

۱- استاد فرزانفر متعهدند قرآن را با رعایت کلمه اصلی و معنی در بنویسند و تصحیح نارس ترجمه و تسلیم و
در جناب و غلط گیری مشاورت فرمایند .

۲- مدت تحویل ترجمه بدین شرح است :

الف - ترجمه شش جزو اول تا پایانزد هم اسفندماه ۱۳۳۹

ب - ترجمه جزوات هفتم تا دوازدهم تا آخر تیرماه ۱۳۴۰

ج - - - - سیزدهم تا بیستم تا آخر اسفندماه ۱۳۴۰

د - - - - بیست و یکم تا سیام تا آخر - ۱۳۴۱

۳- وزارت فرهنگ در برابر این خدمت مهم فرهنگس مبلغ چهارصد و پنجاه هزار ریال بدین شرح با استاد
فرزانفری پرداخته .

فصل اول هشتاد هزار ریال پس از امضا و تبادل قرارداد از اعتبار سال ۱۳۳۹

فصل دوم هشتاد هزار ریال پس از تحویل هشت جزو اول - - -

فصل سوم - پنجاه هزار ریال - - - چهارمین و نهم تا دوازدهم از اعتبار سال ۱۳۴۰

فصل چهارم - - - - - سیزدهم تا شانزدهم - - -

فصل پنجم - - - - - هفدهم تا بیستم - - -

فصل ششم - پنجاه هزار ریال پس از تحویل پنج جزو بیست و یکم تا بیستم و نهم از اعتبار سال ۱۳۴۱

فصل هفتم - - - - - بیست و ششم تا بیست و نهم - - -

فصل هشتم - - - - - پس از جناب و نشر ترجمه قرآن از اعتبار سال ۱۳۴۱

۴- چنانچه استاد فرزانفر بخواهد این پیمان عمل نکند فصل با افساد پرداخت شده مسترد میشود .

۵- این پیمان در پنج نسخه تسلیم و تبادل گردید .

وزیر فرهنگ
تقدیر

مدیر کل نگارش

رئیس اداره کل حسابداری

صاحب پیمان
فرزانفر

اداره کل کشاورزی و وزارت فرهنگ

با ادای احترام اینک ترجمه چهارم جزو از خان کریم که آغاز میشود به آیه
(۸۱) از سوره اعراف و البته از جزو نهم است و منتهی میشود به آیه
(۵۲) از سوره یوسف که پایان جزو دوازدهم است به همراه این نامه
فرستاده میشود خواه

۴/۴/۲۶

الم تا هم المفلون

الم اغتت قات الکام که هیچ شکلی و شبه ای در آن نیست و در این بنام
 بر این کار است ^{و طریقه} آن آنکه ستمهای نطقه ای آن ^{طریقه} طریقه و ناز بجایی آورد
 و از امرا و خود که روزی افشانی کرده ام انصاف بر سخنان انصاف می گفتند
 و کس ستم که به آنچه بر تالی نموده و آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان آورد
 و بر جود آخرت و جهان دیگر از روی یقین می گذرد ^{این سخن از زبان نبی}
 پروردگار خود می یافتند و هم این سخن ^{کسکه} ستمکار شده اند
 یا ایها الناس اعبدو اتا و انتم تعلمون

این فرمود پروردگار خود را بر ستم که ترا و کس که ترا که پیش از تو بودند
^{بسیار که چهار چیز است: اول: آن که ستم کرده است و گناه را بر ستم کرده است}
 بسیار که ستم کرده ای در برای ما پس و گزیده ساحت و آنکه از برای آخرت
 و گاه به باران از آسمان بر زمین آورد و در هر ستمی که از ستم بود ^{باید}
 خواران در روزی پدیدار کرد و خرام نمود پس ^{گفتند} هیچ کس که خوار از خاک
 خدا نگیرد با اینکه میداند خداوند را از زمین نیست
 و از قال ربک اهلک آت و ما کتم سکمون

یادکن وقت که خدا نبی شکان گفت من بر ^{خویش} خویش خفیفه و جان کنس از او
 خود در زمین نفس خوارم کرد گفتند آما از او است که خفیفه کنی ^{خویش}
 چینی خوار انگیزد و خود خوار در زمین ^{خویش} خفیفه کنی
~~و گویید که حق تعالی ما را بر ستم کرده است~~ ^{بسیار که} ستم کرده است که ما ستم کنیم

یا ایها الرسول بلغ ای میز آنچه از جانب خدا بر تو نازل شده است
 ب مردم رسد و اگر پس از آن وقت را ندیده باشی ^{آنچه} بگو که من ^{آنچه} بگویم
 خدا را بگفت زبانه و ادای تکلیف کرده باش و خدا را از
 مردم نگاه مینماید و کار خیر از قبضه بر تو راه نمی ناید
 ان الذین آمنوا والذین هادوا کل لا یحییون الا بالرحمة من ربهم
 الا ان آ آورده اند و همچنین به روان و جانها و میباید در این
 بتکلیف با آن بجا آورده است بگویند و بگفته اند که ما را بگویم که
 برایت از هیچ عذاب نرو و وانه خوت تو از راه نماند
 قل العبدون من ذنوبکم که ای محمد ای بار و است که خدایان
 کسی یا چیزی را بر سر نه که مالک ضرر و منفعت شما نباشد و خدا
 خود است قدرت که ترا و است و است و ان و شن است و از هر چه
 میکنی یا میکنی که گامی وارد و تو را بدان مکانات میفرستد
 و اذ اسمعوا ما انزل الال الرسول در نگاه قرآن که بر پیغمبر نازل
 بشود از آنجا که با حق آشنایی و حقیقت را شناخته اند ^{چون}
 او ^{چون} بر تو فرستاده است که پس که رفت بر آن که مالک میسر و
 و دشمنان از تو شک بریزند و میگویند بود کار الا ان آ آورده
 پس ما را از جمله کل که بگفتند که تو پیغمبر است ^{چون} خداست

می بیند محسوب دار
 و ما لنا الا قول من بالله و نیز گویند ما را چه افسانه است که
 بخدای پاک و آنچه از حقیقت با رسیدن آری نساورم ما بلکه
 آرزو داریم که او ^{چون} ما را از زمره صالحان ^{چون} بگردد و همراه آری
 بهشت و اهل کند
 یا ایها الذین آمنوا لا تمحوا ای گروه مومنان اگر در راه ^{چون}
 که خدا جلالت خدا است و فرمود حرام میکنه و از خود و از آنچه
^{چون} بخواهد از هر چه را خدا میاورد گفته کان را و دست بردارد
 و کما ما ورتکم و لیس و ازین روزهای پاکیزه و حلال است
 شما عطا فرموده به برتریه دار آنچه او ندیده و الا ان طاریه بر سر
 و حلال او را حرام می ناید
 ما علی الرسول الا البلاغ بر رسولان پیام باشد و پس و خدا را

ظلم میکنید و خصم مینمایید ^{چون} می آید
 که آنچه که ما که ما علیه را بر شماست

۱۴

ولا تجادلوا اهل الكتاب باهم كتابه جربتهن وجه مجاوله مكنه
ميرايك لا كرم و رزقه و بگرمه مابه ايجر و بگرمه اوز جند فدا را و تها
نازل شده است الا ان آورده اتم و معبر و ما و تها بگرمه و ما مظهر زمان اوم
والذني جاهلوا ^ك لا كرمه راه ما جودت كمنه و سمر بگرمه
مینه و ل و رزقه بگرمه و تها انا را بگرمه كمنه و بگرمه و سمر بگرمه
با مرمه و ان بگرمه كرمه راه است

من كان يريد الغنة (فاطر) ابر كرمه عزت و بزرگرمه اهر كرمه عزت
از فدا ايجر چه بگرمه عزت انا را كرمه است كه كمنه ان بگرمه بگرمه
با مرمه و و مرمه بگرمه و كرمه عزت و مرمه عزت را بگرمه مكنه و كرمه
كه بگرمه كرمه مكنه عزت تحت نصيب باشه

يا ايها الناس انتم الفساق ابروم شما بگرمه استخاج و بنازته
و فدا ايجر بگرمه بناز و نصفت انا را بگرمه است
ان تها بگرمه بگرمه اگر خواهم بگرمه انا را از جهان بگرمه
و آخر بگرمه تازه بگرمه انا را و انا را بگرمه انا را بگرمه
و من احسن قولاً من دعا (م بگرمه) كمنه كه بگرمه بگرمه باشه
از انا را بگرمه انا را بگرمه و كرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
و صلح فرما بگرمه دارم

ولا تتقوا الحنة بگرمه و بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
بگرمه و بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
و در بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
چنان شده كه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
و جزا بگرمه (شره) در كمنه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
و بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
عزف كمنه و ميان خود و بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه
چه فدا انا را بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه بگرمه

University of Tehran
Central Library and Documentation Center

Avenue Shah-Ram
Tehran, IRAN

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

۱۱۰۸
۳۳۵

جناب آقای دکتر محمدی

رئیس دانشکده الهیات و معارف اسلامی

تعمیب مذاکرات حضوری برای تنظیم اوراق و یادداشت‌های مرحوم فرزاد نرجون بنحوی که ملاحظه نمودید احتیاج به کار زیاد دارد، خواهشمند است مقرر و موافقت فرمایند آقای عنایت‌اله مجیدی دو هفته سه روز رفته بدین کار بپردازند. تردید نیست آن مقدار از این یادداشت‌ها به ترتیب که آماده می‌شود عکس برداری خواهد شد و برای درج در مقالات و بررسی‌ها و اختیار دانشکده قرار خواهد گرفت و جزین در صورتی که مناسب باشد به صورت مستقل چاپ خواهد شد.

از توجهی که بذول می‌فرمایند مراتب امتنان حاصل است.

افشار
کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد

دانشکده الهیات و معارف اسلامی
شماره ۲۸۸
۱۳۳۳/۳/۲۲

۸۵- فروزانفر، بدیع الزمان

مباحثی از تاریخ ادبیات ایران . با مقدمه توضیحات و تعلیقات عنایت‌الله مجیدی.

تهران ، دهخدا ، ۱۳۵۳ . وزیرری . ۴۱۳ ص

حاوی : شرح احوال و فهرست آثار فروزانفر ، متن تاریخ ادبیات ایران
گفتارهایی که در مؤسسه حفظ و خطابه ایراد شده است و چند مقدمه و گفتار مستقل
از فروزانفر در زمینه‌های مختلف فرهنگی و ادبی و نیز چند شمس و همه مفید و قابل
توجه در تحقیقات .

زحمات آقای مجیدی در نشر آثار فروزانفر که بصورت کمپاب با پر آکنده
بود قابل تقدیر بسیارست و باید امیدوار بود که ایشان در تنظیم و نشر نوشته‌های
چاپ نشده آن مرحوم که در کتابخانه مرکزی دانشگاه نگاه‌داری می‌شود نیز
شخصاً اقدام کنند .

ایرج افشار